



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق‌پژای بین‌المللی

Volume 4, Issue 1, 2026

Participatory Criminal Policy and International Standards for the Prevention of Tax Crimes within the Framework of Iranian Law and International Instruments

Abolfazl Hassanzadeh Mohammadi¹, Shahrdad Darabi^{2*}, Mohammad Barani³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran: (Corresponding Author).

3. Department of Criminal Law and Criminology, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 49-64

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4439-8308

TELL: +989126527064

Email: Shahrdad.darabi@iau.ir

Article history:

Received: 29 Nov 2025

Revised: 26 Dec 2025

Accepted: 08 Feb 2026

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Participatory Criminal Policy, Tax Crimes, Crime Prevention, Financial Transparency, Rule of Law.

ABSTRACT

Tax crimes are among the major challenges facing contemporary financial and economic systems, as they may reduce public revenues, weaken tax justice, and disrupt economic order. In this context, the approach of participatory criminal policy, as a modern model in the prevention of economic crimes, emphasizes the simultaneous involvement of governmental institutions, the private sector, and professional bodies in managing and reducing the conditions that lead to crime. The aim of this study is to examine the role of participatory criminal policy in the prevention of tax crimes and to evaluate it within the framework of Iranian law in light of international standards. Using a descriptive-analytical method and relying on library-based sources, this research examines the theoretical foundations of participatory criminal policy, reviews international standards related to the prevention of tax crimes, and analyzes the status of Iranian law in this field. The findings indicate that international instruments and standards emphasize financial transparency, the exchange of economic information, and cooperation among different institutions, and they adopt a participatory approach in addressing tax crimes. In Iranian law, several measures have been taken to strengthen financial transparency and develop supervisory mechanisms; however, challenges such as limited institutional cooperation, weaknesses in the exchange of financial information, and the restricted participation of some economic actors still remain. The results of the study suggest that strengthening cooperation among relevant institutions, developing tax information systems, enhancing the role of the private sector, and reforming certain tax regulations can contribute to improving participatory criminal policy in the prevention of tax crimes in Iran and promote greater convergence with international standards.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Hassanzadeh Mohammadi, A; Darabi, Sh; Barani, M. (2026). "Participatory Criminal Policy and International Standards for the Prevention of Tax Crimes within the Framework of Iranian Law and International Instruments". *Journal of International Criminal Law*, 4(1): 49-64.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

سیاست جنایی مشارکتی و استانداردهای بین المللی پیشگیری از جرایم مالیاتی در چارچوب حقوق ایران و اسناد بین المللی

ابوالفضل حسن زاده محمدی^۱، شهرداد دارابی^۲، محمد بارانی^۳

۱. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران: (نویسنده مسؤل)

۳. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

جرایم مالیاتی از جمله چالش های مهم نظام های مالی و اقتصادی معاصر به شمار می آیند که می توانند موجب کاهش درآمدهای عمومی، تضعیف عدالت مالیاتی و اخلال در نظم اقتصادی شوند. در این میان، رویکرد سیاست جنایی مشارکتی به عنوان الگویی نوین در پیشگیری از جرایم اقتصادی، بر مشارکت هم زمان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و نهادهای حرفه ای در مدیریت و کاهش زمینه های ارتکاب جرم تأکید دارد. هدف این پژوهش بررسی جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم مالیاتی و ارزیابی آن در چارچوب حقوق ایران با توجه به استانداردهای بین المللی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، به مطالعه مبانی نظری سیاست جنایی مشارکتی، بررسی استانداردهای بین المللی مرتبط با پیشگیری از جرایم مالیاتی و تحلیل وضعیت حقوق ایران در این حوزه پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که اسناد و استانداردهای بین المللی بر شفافیت مالی، تبادل اطلاعات اقتصادی و همکاری میان نهادهای مختلف تأکید دارند و رویکردی مشارکتی را در مدیریت جرایم مالیاتی دنبال می کنند. در حقوق ایران نیز برخی اقدامات در جهت تقویت شفافیت مالی و توسعه سازوکارهای نظارتی صورت گرفته است، اما همچنان چالش هایی مانند محدودیت همکاری نهادی، ضعف در تبادل اطلاعات مالی و مشارکت محدود برخی بازیگران اقتصادی وجود دارد. نتایج پژوهش نشان می دهد که تقویت همکاری میان نهادهای مرتبط، توسعه سامانه های اطلاعات مالیاتی، افزایش نقش بخش خصوصی و اصلاح برخی مقررات مالیاتی می تواند زمینه ارتقای سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم مالیاتی در ایران را فراهم کند و به همگرایی بیشتر با استانداردهای بین المللی منجر شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹-۶۴

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۸۳۰۸-۴۴۳۹-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۶۵۲۷۰۶۴

ایمیل: Shahrdad.darabi@iau.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی مشارکتی، جرایم مالیاتی، پیشگیری از جرم، شفافیت مالی، حاکمیت قانون.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می باشد.

مقدمه

تشدید می‌شود. در چنین شرایطی، همکاری نهادی - میان سازمان امور مالیاتی، قوه قضائیه، بانک‌ها و مؤسسات مالی، سازمان بورس و اوراق بهادار، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی، و شرکت‌های مشاوره مالیاتی-نقشی حیاتی در شناسایی فعالیت‌های غیر شفاف و پیشگیری از تخلفات ایفا می‌کند. افزون بر این، روندهای جهانی با فشار نهادهای فراملی، از جمله سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، گروه ویژه اقدام مالی و سازمان ملل متحد، استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای در حوزه شفافیت مالیاتی، تبادل اطلاعات و مقابله با فرار مالیاتی برقرار کرده‌اند. کشورهایی که نتوانند خود را با این استانداردها هماهنگ کنند، با پیامدهای اقتصادی، حقوقی و اعتباری مواجه خواهند شد.

بر این اساس، پژوهش حاضر به پرسش‌های اصلی زیر پاسخ می‌دهد: نخست آنکه سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم مالیاتی چه مفهومی دارد و چه عناصر و بازیگرانی را در بر می‌گیرد؟ دوم، استانداردهای بین‌المللی مرتبط با پیشگیری از جرایم مالیاتی - به‌ویژه در اسناد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، گروه ویژه اقدام مالی و کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد - کدام‌اند و چه رویکردی نسبت به مشارکت نهادی اتخاذ می‌کنند؟ سوم، نظام حقوقی ایران تا چه اندازه با این استانداردها هم‌خوان است و در کدام بخش‌ها نیازمند اصلاح یا تقویت می‌باشد؟ فرضیه اصلی تحقیق آن است که پیشگیری مؤثر از جرایم مالیاتی تنها زمانی میسر است که سیاست جنایی کشور بر پایه همکاری نهادی و هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی طراحی شود و از نگاه صرفاً کیفری فاصله گیرد.

روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای توصیف و تحلیل و نیز مطالعه تطبیقی است. ابتدا مبانی نظری سیاست جنایی مشارکتی و جایگاه آن در مقابله با جرایم اقتصادی بررسی می‌شود. سپس استانداردهای بین‌المللی مرتبط با شفافیت مالیاتی و پیشگیری از جرایم مالیاتی تحلیل و در ادامه، ساختار حقوقی و سیاست جنایی ایران با این استانداردها مقایسه می‌شود. در پایان نیز با تکیه بر یافته‌ها، راهکارهایی برای تقویت سیاست جنایی مشارکتی در ایران ارائه خواهد شد.

در دهه‌های اخیر، مالیات به‌عنوان مهم‌ترین منبع پایدار تأمین مالی دولت‌ها و ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی، نقشی روزافزون در حکمرانی معاصر یافته است. با پیچیده‌تر شدن ساختارهای اقتصادی و تنوع فعالیت‌های تجاری، نظام‌های مالیاتی با چالشی فزاینده روبه‌رو شده‌اند: گسترش فرار مالیاتی و افزایش انواع جرایم مالیاتی. این جرایم، علاوه بر ایجاد خلل جدی در درآمدهای عمومی، موجب اختلال در رقابت سالم، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف عدالت مالیاتی می‌شوند. ایران نیز همانند بسیاری از کشورها با این چالش مواجه است؛ به‌ویژه آنکه تحولات اقتصادی و گسترش فناوری‌های نوین، امکان‌های تازه‌ای برای پنهان‌سازی درآمد، ایجاد فعالیت‌های صوری و دور زدن مقررات مالیاتی فراهم کرده است.

با وجود تلاش‌های قانون‌گذاری و کیفری متعدد، تجربه جهانی و داخلی نشان داده است که اتکای صرف به ابزارهای کیفری - اعم از جرم‌شناسی، تشدید مجازات‌ها یا تقویت فرایندهای قضایی - پاسخ‌گوی ماهیت پیچیده و شبکه‌ای جرایم مالیاتی نیست. این جرایم غالباً سازمان‌یافته، فرامرزی و تخصص‌محورند و مقابله با آن‌ها نیازمند ترکیبی از تدابیر حقوقی، اقتصادی، اداری، نظارتی، فناورانه و مشارکتی است. از همین رو، سیاست جنایی مشارکتی به‌عنوان رویکردی نوین در مدیریت پیشگیری از جرایم اقتصادی مطرح می‌شود؛ رویکردی که بر هم‌افزایی میان دولت، نهادهای مالی و بانکی، بخش خصوصی، مؤسسات حسابرسی و مالیاتی، جامعه مدنی و نیز همکاری‌های بین‌المللی تأکید می‌کند. این الگو، به‌جای تمرکز صرف بر مجازات، می‌کوشد با ایجاد زیرساخت‌های شفافیت مالی، تقویت فرایندهای نظارتی، ارتقای فرهنگ مالیاتی و توسعه تبادل اطلاعات، امکان ارتکاب جرم را کاهش دهد و زمینه‌ای پایدار برای پیشگیری فراهم آورد.

اهمیت این تحقیق از همین نقطه آغاز می‌شود: جرایم مالیاتی آثار گسترده‌ای بر عدالت مالیاتی، رشد اقتصادی، رقابت‌پذیری و اعتماد عمومی دارند. هنگامی که فرار مالیاتی با ریسک اندک همراه باشد، بار مالیاتی بیشتری بر دوش مؤدیان شفاف و قانون‌مدار می‌افتد و چرخه بی‌اعتمادی میان مردم و دولت

بر اساس چنین برداشتی، سیاست جنایی در سه ساحت اصلی قابل تبیین است. نخست، سیاست جنایی تقنینی که به قانون‌گذاری ناظر بر جرم‌انگاری، تعیین ضمانت‌اجراها، تنظیم ساختار پاسخ‌های کیفری و تعیین حدود مسئولیت نهادهای مرتبط می‌پردازد. این بخش، شالوده و نقطه آغازین سیاست جنایی است؛ زیرا هرگونه اقدام اجرایی یا قضایی مبتنی بر همین بنیان قانونی سازمان می‌یابد. چنانچه این بخش از انسجام و روشنی کافی برخوردار نباشد، سایر بخش‌های سیاست جنایی نیز کارآمدی لازم را نخواهند داشت (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۶۷).

ساحت دوم، سیاست جنایی قضایی است که ناظر به چگونگی اعمال، تفسیر و اجرای قوانین کیفری توسط مراجع قضایی است. این ساحت، پل میان قانون و واقعیت اجتماعی است و نقش قاضی در تعیین واکنش مناسب، توجه به اهداف اصلاحی و استفاده از ابزارهای جایگزین مجازات، جایگاهی محوری دارد. انعطاف‌پذیری و امکان تطبیق با شرایط خاص هر پرونده، از ویژگی‌های برجسته این بخش است؛ عاملی که می‌تواند جهت‌گیری کل سیاست جنایی را به سمت رویکردهای پیشگیرانه، سازشی و ترمیمی سوق دهد (قنبرپور، ۱۴۰۴: ۱۵۴).

ساحت سوم، سیاست جنایی اجرایی است که در عملکرد نهادهای اجرایی، اداری، نظارتی، انتظامی و مالی نمود می‌یابد. اقداماتی همچون کشف جرم، اجرای قوانین، اعمال نظارت‌های اداری و مالی، ایجاد سامانه‌های شفافیت و سازوکارهای بازدارنده اقتصادی در این حوزه قرار می‌گیرد. اهمیت این ساحت در پیوند آن با دو ساحت پیشین نهفته است؛ زیرا بدون هماهنگی میان قانون‌گذار، مرجع قضایی و نهادهای اجرایی، سیاست جنایی به منظومه‌ای ناهماهنگ تبدیل می‌شود و کارآمدی خود را از دست می‌دهد.

به این ترتیب، سیاست جنایی زمانی می‌تواند نقش واقعی خود را ایفا کند که این سه لایه در تعامل و هم‌افزایی قرار گیرند و مجموعه‌ای منسجم و هدفمند در مدیریت و پیشگیری از جرم پدید آورند.

نوآوری اصلی این پژوهش در آن است که سیاست جنایی مشارکتی را در حوزه جرایم مالیاتی به‌طور هم‌زمان با استانداردهای جهانی تحلیل و سپس با نظام حقوقی ایران تطبیق می‌دهد. این نگاه تلفیقی می‌تواند درکی تازه از الزامات حکمرانی مالیاتی در ایران ارائه کند و مسیر ارتقای کارآمدی نظام پیشگیری از جرایم مالیاتی را روشن‌تر سازد. در نتیجه، پژوهش حاضر از سطح تحلیل صرفاً کیفری فراتر می‌رود و با تکیه بر همکاری‌های نهادی و بین‌المللی، چارچوبی عملی برای پیشگیری پایدار از جرایم مالیاتی پیشنهاد می‌کند.

۱- مبانی نظری سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم مالیاتی

درک سیاست جنایی مشارکتی در حوزه جرایم مالیاتی، مستلزم شناخت مبانی نظری آن و تمایز آن از الگوهای سنتی متقابل با جرم است. این بخش ابتدا مفهوم سیاست جنایی و گونه‌های مختلف آن را تبیین می‌کند، سپس به معرفی سیاست جنایی مشارکتی و بازیگران متعدد آن می‌پردازد تا روشن شود که چرا در حوزه مالیات، رویکردی فراتر از ابزارهای صرفاً کیفری ضروری است. در ادامه، با بررسی انواع شیوه‌های پیشگیری از جرم در نظام مالیاتی و نقش شفافیت مالی، جایگاه ویژه سیاست جنایی مشارکتی در مواجهه با جرایم اقتصادی و مالیاتی توضیح داده خواهد شد.

۱-۱- مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی در بنیانی‌ترین معنا، مجموعه هماهنگ راهبردها و اقداماتی است که جامعه برای مواجهه با پدیده مجرمانه طراحی و اجرا می‌کند. این مفهوم صرفاً به قلمرو واکنش کیفری محدود نمی‌شود، بلکه همه تدابیری را دربر می‌گیرد که با هدف کنترل، مدیریت و کاهش زمینه‌های بزه‌دیدگی و بزهکاری پیش‌بینی شده‌اند. در این چارچوب، سیاست جنایی بیش از آنکه مجموعه‌ای از قواعد کیفری باشد، الگویی جامع برای هدایت تصمیم‌گیری‌های تقنینی، قضایی و اجرایی در برخورد با جرم تلقی می‌شود و پیوندی میان اهداف پیشگیری، عدالت کیفری و کارآمدی نهادی برقرار می‌سازد (کوهی اصفهانی، ۱۴۰۳: ۱۱۲).

۱-۲- مفهوم سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی در واکنش به محدودیت الگوی سنتی دولتی شکل می‌گیرد؛ الگویی که بر انحصار قدرت عمومی در تعریف جرم، کشف آن و اجرای ضمانت‌اجراها استوار بود و کمتر به ظرفیت‌های نهادهای غیردولتی، حرفه‌ای و مردمی در پیشگیری از جرم توجه داشت. در مقابل، سیاست جنایی مشارکتی بر این مبنا استوار است که پیشگیری و مقابله مؤثر با پدیده مجرمانه، به‌ویژه در حوزه مالیاتی، تنها زمانی ممکن می‌شود که مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی در تعامل مستمر و هماهنگ قرار گیرند و هر یک بخشی از بار مسئولیت را بر دوش گیرند. این رویکرد، جرم را محصول ساختارهای اقتصادی، اداری و اجتماعی می‌داند و بنابراین حل آن را نیز وابسته به کنش جمعی و شبکه‌ای تفسیر می‌کند (شاطری‌پور اصفهانی، ۱۴۰۱: ۹۲).

در چنین چارچوبی، دولت همچنان نقش راهبردی دارد، اما نقش آن از «تصمیم‌گیرنده انحصاری» به «هماهنگ‌کننده شبکه‌ای» تغییر می‌یابد. سیاست جنایی مشارکتی بر این پیش‌فرض استوار است که نهادهایی مانند سازمان‌های مالی، بانک‌ها، حساب‌رسان، انجمن‌های حرفه‌ای و حتی گروه‌های مدنی، نه بازیگران حاشیه‌ای بلکه عناصر محوری در تولید دانش مالیاتی، ارتقای شفافیت و کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم هستند. این نگاه، به‌جای اتکای صرف به واکنش کیفری، بر سازوکارهای پیشگیرانه، نظارتی، اداری و اقتصادی تأکید می‌کند و از طریق پیوند دادن ظرفیت‌های بخش عمومی و خصوصی، امکان کنترل دقیق‌تر جریان‌های مالی و کشف زودهنگام رفتارهای مشکوک را فراهم می‌آورد (شریف‌پور، ۱۴۰۳: ۴۶).

تفاوت این رویکرد با سیاست جنایی سنتی در این است که در مدل سنتی، پیشگیری از جرم عمدتاً از مسیر جرم‌انگاری، تشدید ضمانت‌اجراها و تقویت نهادهای رسمی پیگیری می‌شد، اما در سیاست جنایی مشارکتی، اولویت با توزیع مسئولیت، ارتقای نظارت جمعی و بهره‌گیری از دانش تخصصی نهادهای حرفه‌ای است (پورقهرمانی کلتبه، ۱۳۹۵: ۱۳۳). ارتقای اعتماد عمومی، ایجاد شفافیت و شکل‌گیری سامانه‌های کنترلی

چندلایه نیز از پیامدهای ضروری این رویکرد به شمار می‌آیند. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی، نه جایگزین سیاست دولتی، بلکه تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده آن است و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی، مجموعه‌ای یکپارچه برای مدیریت و پیشگیری از جرایم مالیاتی ایجاد می‌کند.

۱-۳- پیشگیری از جرم در حوزه مالیاتی

پیشگیری از جرم در حوزه مالیاتی زمانی معنا پیدا می‌کند که ساختارهای مالی، اداری و نظارتی به گونه‌ای سازمان‌یابند که فرصت ارتکاب رفتارهای مجرمانه به حداقل برسد و نظام مالیاتی توانایی تشخیص سریع، واکنش هوشمندانه و اصلاح مستمر را داشته باشد. در این چارچوب، پیشگیری تنها به ابزار کیفری محدود نمی‌شود، زیرا واکنش کیفری غالباً پس از وقوع جرم فعال می‌شود و کارکرد آن بیشتر ناظر بر کنترل ثانویه است. از این‌رو، پیشگیری مؤثر در این حوزه باید از سطح پیشینی و ساختاری آغاز شود؛ سطحی که در آن شفافیت جریان‌های مالی، سهولت دسترسی به اطلاعات و کاهش ابهام‌های قانونی نقش بنیادی دارند (کریمی، ۱۳۹۷: ۴۱).

پیشگیری کیفری، هرچند جایگاه مهمی در نظام عدالت مالیاتی دارد، اما اثرگذاری آن مشروط به کارآمدی سازوکارهای کشف جرم، سرعت رسیدگی، تناسب واکنش‌ها و ایجاد قطعیت در اجرای ضمانت‌نامه است. در واقع، بدون تحقق این عناصر، تهدید کیفری نمی‌تواند نقش بازدارنده خود را ایفا کند، زیرا فعالان اقتصادی رفتار خود را بر اساس ارزیابی هزینه و فایده تنظیم می‌کنند و در نبود سازوکارهای قوی کشف و پیگیری، خطر ارتکاب جرم کاهش‌یافته و انگیزه تخلف افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، پیشگیری غیرکیفری که شامل تدابیر اداری، اقتصادی و نظارتی است، ظرفیت بیشتری در کاهش فرصت‌های ارتکاب تخلف دارد. این نوع پیشگیری بر تنظیم ساختارها، اصلاح فرآیندها و افزایش نظارت‌های فنی تمرکز می‌کند و از همین طریق امکان مداخله پیشینی در رفتارهای مالی را فراهم می‌آورد (عامری، ۱۴۰۲: ۹۶).

نقش شفافیت مالی در این میان بنیادی است؛ چرا که هرگونه ابهام در گزارش‌دهی، ثبت معاملات، اظهار درآمد و تبادل اطلاعات، بستر شکل‌گیری رفتارهای متقلبانه را افزایش

می‌دهد. ایجاد سامانه‌های الکترونیکی، ردیابی هوشمند تراکنش‌ها و تطبیق داده‌های مالی از جمله ابزارهایی‌اند که شفافیت را تقویت کرده و امکان تحلیل الگوهای رفتار مشکوک را فراهم می‌سازند (حاجی‌پور، ۱۴۰۳: ۷۳). این شفافیت در کنار نظارت ساختاریافته و هماهنگی نهادی، هسته اصلی پیشگیری نوین از جرایم مالیاتی را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، پیشگیری کارآمد در این حوزه ترکیبی از ابزارهای کیفی و غیرکیفی است که در یک منظومه هماهنگ عمل می‌کنند و تنها با اتکا به این ترکیب می‌توان به کاهش واقعی جرایم مالیاتی دست یافت.

نهادهای مالی و حسابرسی به‌عنوان بازوان کمکی دولت، جایگاه اصلی را به خود اختصاص می‌دهد (رست، ۱۳۸۹: ۵۸). با این حال، تحقق این جایگاه در ایران با چالش‌های ساختاری روبروست که ریشه در نظام حقوقی متمرکز و تقلیل‌گرایانه دارد. اگرچه اصلاحات قانونی اخیر گام‌هایی به سوی شفافیت برداشته است، اما جرایم مالیاتی همچنان تحت فشار سیاست‌های سخت‌گیرانه و گاه ناکارآمد قرار دارند (دباغ، ۱۴۰۲: ۱۵۴). برای تغییر این وضعیت، ضرورت دارد که سیاست جنایی به سمت مشارکت نهادی واقعی حرکت کند؛ جایی که نهادهای مالی، حسابرسان و سازمان‌های نظارتی، نه به‌عنوان نهادهای تابع، بلکه به‌عنوان شرکای راهبردی در کشف و پیشگیری از جرایم مالیاتی ایفای نقش کنند. این تحول، مستلزم تغییر پارادایم از «نظارت دستوری» به «نظارت مشارکتی» و استفاده هوشمندانه از ابزارهای اداری و فنی برای تضمین عدالت مالیاتی است.

۴-۱- جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در جرایم اقتصادی و مالیاتی

جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در قلمرو جرایم اقتصادی و مالیاتی، برآمده از ضرورت بازنگری در راهبردهای سنتی کنترل جرم است. جرایم مالیاتی به دلیل ماهیت پیچیده، فنی و در عین حال پنهان خود، در بسیاری از موارد از دسترس ابزارهای کلاسیک تعقیب و مجازات خارج هستند. اتکای انحصاری به واکنش‌های کیفی پستی، نه تنها هزینه‌های گزافی به نظام عدالت تحمیل می‌کند، بلکه در مواجهه با شبکه‌های سازمان‌یافته فرار مالیاتی، کارآمدی چندانی ندارد. در چنین وضعیتی، سیاست جنایی مشارکتی با تغییر تمرکز از «پاسخ‌دهی کیفی» به «مدیریت مخاطرات پیشگیرانه»، بستری را فراهم می‌آورد که در آن پیشگیری بر سرکوب مقدم شمرده می‌شود (اسدزاده بنابی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

در این ساختار، جرایم مالیاتی دیگر نه صرفاً یک تخلف فردی، بلکه نشانه‌ای از گسست در نظارت‌های شبکه‌ای تلقی می‌شوند. بنابراین، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در اینجا نقشی «میانجی‌گرانه» و «هم‌افزا» دارد؛ به طوری که با پیوند دادن نهادهای دولتی با بخش خصوصی و نظام‌های مالی، امکان رصد دقیق جریان‌های پولی و کشف الگوهای متقلبانانه پیش از تبدیل شدن به جرم فراهم می‌آید. این رویکرد، جرم‌انگاری و مجازات را نه حذف، بلکه در بطن یک فرآیند نظارتی مستمر تعریف می‌کند که در آن، مسئولیت‌پذیری

۲- استانداردهای بین‌المللی پیشگیری از جرایم مالیاتی

بخش استانداردهای بین‌المللی پیشگیری از جرایم مالیاتی ناظر بر مجموعه‌ای از قواعد، سازوکارها و الگوهای همکاری است که به منظور مقابله با فرار مالیاتی و افزایش شفافیت در نظام‌های مالی طراحی شده‌اند. این استانداردها، حاصل تعامل نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و شبکه‌های حرفه‌ای‌اند و نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای هماهنگی فراملی، تبادل اطلاعات و تقویت نظارت بر جریان‌های مالی دارند. بررسی این چارچوب‌ها ضرورت دارد، زیرا هر نظام ملی برای کارآمدی در پیشگیری از جرایم مالیاتی ناگزیر از همسویی با این الگوها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی آن‌هاست.

۱-۲- نقش سازمان‌های بین‌المللی در مبارزه با جرایم مالیاتی

نقش سازمان‌های بین‌المللی در مبارزه با جرایم مالیاتی در پیوند با تحولاتی معنا پیدا می‌کند که نظام مالی جهانی را به سوی شفافیت، تبادل اطلاعات و همگرایی مقرراتی سوق داده است. جرایم مالیاتی، به‌ویژه در قالب جابه‌جایی‌های فرامرزی و استفاده از خلأهای حقوقی، در بستر نظام مالی جهانی شده شکل می‌گیرند و بنابراین مقابله با آن‌ها مستلزم سازوکارهایی است که فراتر از ظرفیت دولت‌ها عمل کنند. در این چارچوب،

مالیاتی فراملی، بهره‌گیری از خلأهای مقرراتی و سوءاستفاده از ساختارهای پیچیده بنگاه‌های اقتصادی طراحی شده‌اند و بر این مبنا، شفافیت را نه صرفاً یک الزام اداری، بلکه شرط بنیادین تحقق عدالت مالیاتی تلقی می‌کنند. در این چارچوب، تبادل اطلاعات مالیاتی میان دولت‌ها، تقویت همکاری میان نهادهای مالی و ایجاد سازوکارهای نظارتی مشترک، سه محور اصلی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند امکان شناسایی رفتارهای متقلبانه را پیش از تبدیل شدن به پدیده مجرمانه فراهم سازد (سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۷: ۹۱).

استانداردهای این سازمان با تأکید بر تبادل خودکار اطلاعات، زمینه همگرایی دولت‌ها در تحلیل ریسک‌های مالیاتی را فراهم می‌کند و از این طریق، تمرکز بر پیشگیری پیش‌دستانه را تقویت می‌سازد. این سازوکارها، علاوه بر ایجاد شفافیت میان کشورها، ظرفیت پاسخ‌گویی نظام مالی داخلی را نیز افزایش می‌دهند؛ زیرا نهادهای اقتصادی و مالی را ملزم به ثبت، نگهداری و گزارش‌دهی دقیق اطلاعات می‌کنند و بدین ترتیب، بستر لازم برای کنترل ناهنجاری‌های مالیاتی را در مرحله شکل‌گیری مهیا می‌سازند (سدره‌نشین، ۱۴۰۰: ۶۵).

از سوی دیگر، برنامه مقابله با کاهش پایه مالیاتی و انتقال سود، که بخش مهمی از استانداردهای این سازمان را تشکیل می‌دهد، نشان می‌دهد که شفافیت مالیاتی تنها با ابزارهای نظارتی تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند بازطراحی مقررات مالیاتی و ایجاد هماهنگی در قواعد بین‌المللی است. این برنامه با محدود کردن امکان انتقال سود به حوزه‌های کم‌مالیات، پیوند مستقیمی میان عدالت مالیاتی و مشارکت نهادی ایجاد می‌کند و از این طریق، چارچوبی پویاتر برای پیشگیری از جرایم مالیاتی فراهم می‌آورد (تاجی، ۱۴۰۱: ۴۸). در مجموع، استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با ایجاد یک نظم نظارتی مشترک، شفافیت مالیاتی را به سازوکار مرکزی در مدیریت ریسک‌های مالیاتی تبدیل می‌کنند و از مسیر تقویت همکاری‌های فراملی و درون‌ملی، ظرفیت پیشگیری ساختاری از جرایم مالیاتی را افزایش می‌دهند.

سازمان‌های بین‌المللی نقش «تعیین‌کننده قواعد» را بر عهده دارند؛ قواعدی که نه در مقام الزام سیاسی، بلکه از مسیر ایجاد اجماع حرفه‌ای و استاندارددگذاری فنی، مسیرهای پنهان فرار مالیاتی را محدود می‌سازند. سازوکارهای این سازمان‌ها با طراحی الگوهای نظارتی، شاخص‌های شفافیت و نظام‌های تبادل اطلاعات، زمینه شکل‌گیری یک بستر مشارکتی برای دولت‌ها و نهادهای اقتصادی فراهم می‌کنند و از این طریق، پیشگیری از جرایم مالیاتی را از قالب واکنشی صرف خارج می‌سازند (رحیمی، ۱۴۰۲: ۷۷).

در این میان، نقش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در ارائه استانداردهای جهانی، به‌ویژه در حوزه شفافیت مالی و مقابله با فرار مالیاتی فراملی، جایگاه محوری دارد؛ زیرا این سازمان با ایجاد سازوکارهای ارزیابی، نظام‌های گزارش‌دهی و چارچوب‌های تبادل اطلاعات، ظرفیت نظارتی دولت‌ها را تقویت می‌کند و همگرایی نظام‌های مالی را افزایش می‌دهد (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۱۳۹۹: ۴۲). همچنین، گروه اقدام مالی با تمرکز بر مقابله با جریان‌های مشکوک، رویکردی مبتنی بر ریسک در نظارت مالی پیشنهاد می‌کند و از این طریق، تعامل میان نهادهای مالی، سازمان‌های نظارتی و دولت‌ها را در سطحی ساختاری سامان می‌دهد. افزون بر این، سازمان ملل با اسناد هنجاری خود، از جمله در حوزه پیشگیری از فساد و ارتقای شفافیت، بستر حقوقی لازم برای تقویت سازوکارهای پیشگیری در حوزه مالیاتی را فراهم می‌سازد (محمدی، ۱۴۰۳: ۶۴). کارکرد اصلی این سازمان‌ها در این است که مسیر مبارزه با جرایم مالیاتی را از سطح اقدام‌های پراکنده ملی، به یک نظم هماهنگ و مشارکتی تبدیل می‌کنند؛ نظمی که در آن، همکاری میان دولت‌ها، نهادهای مالی و نظام‌های نظارتی، شرط تحقق پیشگیری مؤثر تلقی می‌شود.

۲-۲-۱ استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در شفافیت مالیاتی

استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در حوزه شفافیت مالیاتی بر ایجاد سازوکارهایی تمرکز دارد که بتواند جریان‌های مالی را از حوزه پنهان‌کاری به سمت نظارت‌پذیری و پاسخ‌گویی هدایت کند. این استانداردها با هدف مقابله با فرار

۳-۲- اسناد بین‌المللی مرتبط

اسناد بین‌المللی مرتبط با مبارزه با جرایم مالیاتی، چارچوبی هنجاری و هماهنگ برای تقویت شفافیت مالی، تبادل اطلاعات و همکاری میان دولت‌ها فراهم می‌کنند. اهمیت این اسناد در آن است که جرایم مالیاتی، به‌ویژه در شرایط اقتصاد جهانی‌شده، اغلب از مرزهای ملی عبور می‌کنند و با بهره‌گیری از تفاوت‌های مقرراتی میان کشورها شکل می‌گیرند. در چنین شرایطی، نظام‌های حقوقی ملی به تنهایی قادر به مدیریت مؤثر این پدیده نیستند و نیازمند سازوکارهایی هستند که امکان همکاری و هماهنگی در سطح بین‌المللی را فراهم آورد. اسناد بین‌المللی با ایجاد اصول مشترک در زمینه شفافیت اقتصادی، مسئولیت‌پذیری مالی و تبادل داده‌های مالیاتی، زمینه شکل‌گیری نظامی فراملی برای پیشگیری از فرار مالیاتی را فراهم می‌کنند (نوری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۸۲).

در میان این اسناد، کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا با تأکید بر شفافیت مالی، مقابله با سوءاستفاده از ساختارهای مالی و تقویت سازوکارهای نظارتی، بستر حقوقی لازم برای کاهش جرایم اقتصادی از جمله فرار مالیاتی را فراهم می‌سازد. این سند با ترغیب دولت‌ها به تبادل اطلاعات، همکاری قضایی و تقویت نظارت بر جریان‌های مالی، تلاش می‌کند پیوند میان فساد اقتصادی و تخلفات مالیاتی را محدود کند و از این طریق، ظرفیت پیشگیری ساختاری را افزایش دهد (قنبری، ۱۴۰۳: ۷۱).

افزون بر این، کنوانسیون‌های همکاری مالیاتی نیز با هدف تسهیل تبادل اطلاعات و ایجاد سازوکارهای هماهنگ در حوزه وصول مالیات، نقش مهمی در کاهش امکان پنهان‌سازی درآمدها ایفا می‌کنند. این اسناد با فراهم کردن بستر حقوقی برای دسترسی متقابل دولت‌ها به داده‌های مالیاتی، مانع از آن می‌شوند که مؤدیان از تفاوت‌های حقوقی میان کشورها برای فرار از تعهدات مالیاتی بهره ببرند. در نتیجه، نظام مالیاتی از حالت منفک و ملی خارج شده و در قالب شبکه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی عمل می‌کند (جوهری، ۱۳۹۷: ۵۶). در مجموع، اسناد بین‌المللی مرتبط با شفافیت مالی، با ایجاد قواعد مشترک و تقویت همکاری میان دولت‌ها، امکان

شکل‌گیری یک نظام پیشگیرانه گسترده را فراهم می‌آورند؛ نظامی که در آن پیشگیری از جرایم مالیاتی نه تنها به ابزارهای کیفری، بلکه به سازوکارهای نظارتی، اطلاعاتی و همکاری‌های نهادی در سطح بین‌المللی وابسته است.

۴-۲. رویکرد مشارکتی در استانداردهای بین‌المللی

رویکرد مشارکتی در استانداردهای بین‌المللی مبارزه با جرایم مالیاتی بر این فرض استوار است که مقابله مؤثر با این دسته از جرایم تنها از طریق اقدام‌های انفرادی دولت‌ها امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های نهادی در سطوح ملی و فراملی است. گسترش فعالیت‌های اقتصادی فرامرزی و پیچیده شدن ساختارهای مالی سبب شده است که فرار مالیاتی در بسیاری از موارد از طریق تعامل میان حوزه‌های مختلف اقتصادی و بهره‌گیری از تفاوت‌های مقرراتی میان کشورها صورت گیرد. در چنین شرایطی، استانداردهای بین‌المللی با تأکید بر هماهنگی میان دولت‌ها، نهادهای مالی و بازیگران حرفه‌ای، تلاش می‌کنند بستر یک سیاست پیشگیرانه مبتنی بر همکاری را فراهم سازند (دره زرشکی، ۱۴۰۴: ۹۷).

یکی از ابعاد مهم این رویکرد، تقویت همکاری میان دولت‌ها در زمینه تبادل اطلاعات مالیاتی و هماهنگی در اجرای مقررات نظارتی است. این همکاری‌ها با هدف کاهش امکان پنهان‌سازی درآمدها و شناسایی جریان‌های مالی غیرشفاف طراحی شده‌اند و در عمل به دولت‌ها اجازه می‌دهند تصویری جامع‌تر از فعالیت‌های اقتصادی فرامرزی به دست آورند. چنین سازوکاری سبب می‌شود که فرار مالیاتی دیگر به سادگی از طریق انتقال دارایی‌ها یا بهره‌گیری از تفاوت‌های حقوقی میان کشورها تحقق نیابد و امکان شناسایی تخلفات در مراحل اولیه افزایش یابد (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۱۴۰۰: ۵۴).

در کنار همکاری‌های بین‌دولتی، استانداردهای بین‌المللی بر نقش نهادهای مالی، بانک‌ها و مؤسسات حرفه‌ای نیز تأکید دارند. این نهادها به دلیل دسترسی مستقیم به اطلاعات مالی و تراکنش‌های اقتصادی، جایگاه مهمی در شناسایی الگوهای مشکوک و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی دارند. مشارکت فعال این بازیگران در فرآیندهای نظارتی و گزارش‌دهی،

در این ساختار، جرم‌انگاری فرار مالیاتی به منزله واکنشی صرفاً کیفی تحلیل نمی‌شود، بلکه بخشی از نظام پیشگیرانه است که هدف آن ایجاد بازدارندگی ساختاری است. قانون‌گذار با تعیین مصادیق مشخصی از رفتارهای متقلبانه مانند اختفای فعالیت اقتصادی، تنظیم اسناد خلاف واقع یا عدم ارائه اطلاعات مالی، تلاش کرده است امکان بهره‌گیری مؤدیان از خلأهای قانونی یا سازوکارهای تباری را کاهش دهد. چنین رویکردی بر این فرض استوار است که افزایش هزینه ارتکاب تخلف در برابر منفعت احتمالی آن، یکی از مؤثرترین ابزارهای کاهش فرار مالیاتی است (عزیزی و حسین‌زاده نیکویی، ۱۳۹۱: ۷۴).

در کنار جرم‌انگاری، بخشی مهم از چارچوب قانونی ایران به طراحی ابزارهای نظارتی و اطلاعاتی اختصاص یافته است. الزام به نگهداری اسناد، تقویت سامانه‌های اطلاعاتی و ردیابی جریان‌های مالی از جمله سازوکارهایی هستند که امکان پنهان‌سازی یا تغییر ساختگی داده‌های مالی را محدود می‌کنند و نقش مهمی در کاهش فضای تباری میان مؤدی و مأموران اداری دارند (نویدی قاضیانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸؛ ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۲۱). در نهایت، مجموعه این تدابیر نشان می‌دهد که سیاست جنایی مالیاتی ایران بر ترکیب ابزارهای کیفی و غیرکیفری استوار است؛ ترکیبی که هدف آن تقویت شفافیت، ارتقای تمکین و کاهش زمینه‌های رفتار متقلبانه در نظام مالیاتی است.

۳-۲- سازوکارهای پیشگیری در حقوق ایران

سازوکارهای پیشگیری از جرایم مالیاتی در حقوق ایران بر ترکیبی از ابزارهای حقوقی، اداری و نظارتی استوار است که هدف آن‌ها کاهش فرصت‌های ارتکاب رفتار متقلبانه و افزایش تمکین مالیاتی است. این سازوکارها بر این پیش‌فرض بنا شده‌اند که پیشگیری مؤثر، صرفاً از مسیر واکنش کیفی پسینی تحقق نمی‌یابد، بلکه مستلزم مداخله در بسترهای شکل‌گیری تخلف و مدیریت مخاطرات ساختاری نظام مالیاتی است. در این چارچوب، سیاست جنایی مالیاتی به سمت استفاده از ابزارهایی سوق یافته است که بتوانند پیش از تحقق رفتار

ظرفیت نظام مالی را برای مقابله با فرار مالیاتی افزایش می‌دهد و امکان کنترل جریان‌های مالی پیچیده را فراهم می‌سازد (ظفری قره‌سو، ۱۴۰۴: ۸۳). در مجموع، رویکرد مشارکتی در استانداردهای بین‌المللی نشان‌دهنده گذار از الگوی سنتی مقابله با جرایم مالیاتی به سوی الگوی شبکه‌ای و چندبازیگری است؛ الگویی که در آن همکاری میان دولت‌ها، نهادهای مالی و مؤسسات حرفه‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری از جرایم مالیاتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۳- سیاست جنایی ایران در پیشگیری از جرایم مالیاتی

بررسی پیشگیری از جرایم مالیاتی در نظام حقوقی ایران مستلزم تحلیل چارچوب سیاست جنایی حاکم بر این حوزه است. سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مالیاتی ترکیبی از ابزارهای تقنینی، نظارتی و اجرایی را در بر می‌گیرد که هدف آن تقویت شفافیت مالی، ارتقای کارآمدی نظام مالیاتی و کاهش زمینه‌های فرار مالیاتی است. در این چارچوب، افزون بر جرم‌انگاری رفتارهای متقلبانه مالیاتی، سازوکارهای اداری و اطلاعاتی نیز برای پیشگیری از بروز این جرایم مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، در این بخش ابتدا چارچوب قانونی جرایم مالیاتی در ایران بررسی می‌شود، سپس سازوکارهای پیشگیری در نظام مالیاتی تحلیل خواهد شد و در ادامه نقش نهادهای مختلف در شکل‌گیری سیاست جنایی مشارکتی و همچنین چالش‌های موجود در این حوزه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۱- چارچوب قانونی جرایم مالیاتی در ایران

چارچوب قانونی جرایم مالیاتی در ایران بر پایه رویکردی شکل گرفته است که تلفیقی از جرم‌انگاری، نظارت اداری و ایجاد سازوکارهای شفاف‌سازی را به‌عنوان ابزارهای پیشگیری در نظر می‌گیرد. در این چارچوب، قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات سال ۱۳۹۴ کوشیده‌اند میان دو ضرورت اساسی یعنی افزایش تمکین مالیاتی و مهار رفتارهای متقلبانه تعادل برقرار کنند. بر این مبنای پدیده فرار مالیاتی نه صرفاً واکنشی به دشواری‌های پرداخت مالیات، بلکه نتیجه تعامل میان ضعف سازوکارهای کنترلی، فرصت‌های پنهان‌کاری و ارزیابی سود و زیان فرد در انتخاب رفتار قانون‌گریزانه تلقی می‌شود (میرعبداله یانی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

شکل می‌دهد. این سازمان هنگامی می‌تواند نقش پیشگیرانه واقعی ایفا کند که از سطح اجرای مقررات به سطح مدیریت ریسک مالیاتی ارتقا یابد و با دیگر نهادها در فرآیند تحلیل و کنترل جریان‌های مالی تعامل مستمر داشته باشد. در این میان، قوه قضائیه با تبیین سازوکارهای حقوقی منسجم، نقش تکمیلی در این شبکه پیشگیرانه ایفا می‌کند. تصمیم‌های قضایی در حوزه مالیاتی، اگر بر اصول کارآمدی و تفسیر هماهنگ مبتنی باشد، می‌تواند پیامدهای بازدارنده‌ای ایجاد کند و برداشت‌های متناقض را که زمینه‌ساز بی‌نظمی و فرصت‌های سوءاستفاده است، کاهش دهد. نقش این نهاد نه فقط در مرحله رسیدگی، بلکه در شکل‌دهی به سازوکارهای حل و فصل اختلافات مالیاتی نیز اهمیت دارد؛ زیرا تقویت قطعیت حقوقی یکی از عناصر بنیادین پیشگیری محسوب می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۴).

بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست جنایی مشارکتی‌اند. با توجه به اینکه جریان‌های مالی، هسته اصلی رفتارهای متقلبانه مالیاتی را تشکیل می‌دهد، توانایی این نهادها در شناسایی الگوهای مشکوک، مسدودسازی مسیرهای پنهان‌کاری و تبادل اطلاعات با مراجع مالیاتی نقش بسزایی در کاهش فرصت‌های ارتکاب تخلف دارد. چنین نقشی در صورتی مؤثر خواهد بود که همکاری نهادی بر پایه شفافیت، استانداردهای واحد و سازوکارهای روشن تبادل داده بنا شده باشد (وطنی و اسدی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

حسابرسان و مشاوران مالیاتی نیز به‌عنوان بازیگران حرفه‌ای، لایه‌ای دیگر از پیشگیری را شکل می‌دهند. این گروه با نظارت فنی بر حساب‌ها، تحلیل فرآیندهای مالی و ارائه ارزیابی‌های کارشناسی، می‌توانند در کشف زود هنگام رفتارهای پرخطر مالیاتی و اصلاح رویه‌های بنگاه‌های اقتصادی نقش‌آفرینی کنند. کارکرد آنان زمانی به نقطه مطلوب می‌رسد که استقلال حرفه‌ای آنان تقویت و تعامل ساختاری میان آنان و نهادهای دولتی نهادینه شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۴). در مجموع، پیشگیری مؤثر از جرایم مالیاتی مستلزم پیوند حلقه‌های اداری، قضایی، مالی و حرفه‌ای است؛ پیوندی که اگر در قالب سیاست جنایی مشارکتی سامان یابد، می‌تواند به

مجرمانه، امکان پنهان‌کاری و سوءاستفاده را محدود کند (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۵).

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای پیشگیرانه در حقوق ایران، توسعه سامانه‌های مالیاتی و اطلاعاتی است که با هدف تجمیع داده‌ها، ردیابی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش وابستگی نظام مالیاتی به اظهارنامه‌های سنتی طراحی شده‌اند. این سامانه‌ها با افزایش شفافیت جریان‌های مالی، فضای تصمیم‌گیری مؤدبی را از وضعیت مبهم و کم‌ریسک به شرایطی قابل رصد و ارزیابی‌پذیر تبدیل می‌کنند. در چنین ساختاری، پیشگیری نه از طریق تهدید کیفری مستقیم، بلکه از راه افزایش احتمال کشف تخلف و کاهش امکان دستکاری داده‌ها اعمال می‌شود (تقی-زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶۰).

در کنار سامانه‌های مالیاتی، شفافیت مالی به‌عنوان یک سازوکار بنیادین پیشگیرانه در حقوق ایران اهمیت یافته است. الزام به ثبت و نگهداری اسناد مالی، نظارت بر تراکنش‌های اقتصادی و تبادل اطلاعات میان نهادهای ذی‌ربط، امکان انحراف از قواعد مالیاتی را محدود می‌کند و از شکل‌گیری شبکه‌های پنهان فرار مالیاتی جلوگیری به عمل می‌آورد. این رویکرد نشان‌دهنده گذار از نظارت دستوری به نظارت مبتنی بر داده و تحلیل است که در آن پیشگیری جایگزین واکنش‌های پرهزینه کیفری می‌شود (موذن زادگان و افشاری، ۱۳۹۲: ۱۳۵). افزون بر این، نقش اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی نیز به‌عنوان مکمل سازوکارهای فنی پیشگیری قابل توجه است. ارتقای دانش مالیاتی و شفاف‌سازی پیامدهای اقتصادی و حقوقی فرار مالیاتی، زمینه شکل‌گیری فرهنگ تمکین را تقویت می‌کند و از این طریق، پیشگیری را از سطح ابزارهای سخت به عرصه سازوکارهای نرم سوق می‌دهد.

۳-۳- نقش نهادهای مختلف در سیاست جنایی مشارکتی

نقش نهادهای مختلف در سیاست جنایی مشارکتی مرتبط با پیشگیری از جرایم مالیاتی زمانی معنا دار می‌شود که این نهادها نه به‌صورت جزیره‌ای، بلکه در قالب شبکه‌ای هماهنگ از کنشگران عمل کنند. در این الگو، سازمان امور مالیاتی جایگاه کانونی دارد؛ زیرا توانایی آن در تجمیع اطلاعات، تفسیر داده‌ها و اعمال نظارت اداری، بنیان اصلی پیشگیری غیرکیفری را

به‌عنوان یک تعهد اجتماعی و مشارکت در تأمین منافع عمومی درک نشود، تمایل به تمکین مالیاتی کاهش می‌یابد و زمینه برای رفتارهای اجتنابی افزایش پیدا می‌کند. در چنین فضایی، حتی کارآمدترین سازوکارهای نظارتی نیز با محدودیت مواجه خواهند شد؛ زیرا پیشگیری پایدار مستلزم همراهی داوطلبانه مؤدیان با نظام مالیاتی است (نقیبی و امید، ۱۳۹۴: ۸). از این منظر، تقویت فرهنگ مالیاتی و ارتقای آگاهی عمومی می‌تواند نقش مکملی در کاهش انگیزه‌های فرار مالیاتی ایفا کند و زمینه مشارکت فعال‌تر جامعه در تحقق شفافیت اقتصادی را فراهم آورد.

۴- ارزیابی تطبیقی حقوق ایران با استانداردهای بین‌المللی

ارزیابی سیاست‌های پیشگیری از جرایم مالیاتی در سطح ملی زمانی معنا پیدا می‌کند که در پرتو معیارها و استانداردهای پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی مورد سنجش قرار گیرد. این مقایسه امکان شناسایی میزان همسویی یا فاصله نظام حقوقی ایران با الگوهای نوین پیشگیری از جرایم مالیاتی را فراهم می‌سازد. از این رو، بررسی تطبیقی میان سازوکارهای حقوق ایران و استانداردهای بین‌المللی می‌تواند ظرفیت‌های موجود، کاستی‌های نهادی و زمینه‌های قابل اصلاح را روشن سازد. بر همین اساس، در این بخش ابتدا نقاط همگرایی حقوق ایران با استانداردهای بین‌المللی بررسی می‌شود، سپس موارد واگرایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت ظرفیت‌های توسعه سیاست جنایی مشارکتی در نظام حقوقی ایران تبیین خواهد شد.

۴-۱- نقاط همگرایی

نقاط همگرایی میان سیاست جنایی ایران و استانداردهای بین‌المللی در پیشگیری از جرایم مالیاتی را می‌توان در سه محور اصلی تشخیص داد: جرم‌انگاری، شفافیت مالی و توسعه سامانه‌های الکترونیکی. نخست آنکه جرم‌انگاری فرار مالیاتی در حقوق ایران با رویکردهای جهانی همسو است، زیرا نظام‌های مالیاتی کارآمد، واکنش کیفری را بخشی از راهبرد پیشگیرانه تلقی می‌کنند، نه هدف نهایی آن. هنگامی که رفتارهای متقلبانه دارای وصف کیفری باشند، بازدارندگی تقویت می‌شود و پیام روشن نظام حقوقی درباره اهمیت تمکین

مدیریت کارآمد ریسک‌های مالیاتی و افزایش شفافیت در نظام اقتصادی بینجامد.

۴-۳- چالش‌های موجود

تحقق سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم مالیاتی در حقوق ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و نهادی مواجه است که کارآمدی این رویکرد را با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌سازد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها ضعف هماهنگی نهادی میان دستگاه‌های درگیر در مدیریت و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی است. پیشگیری مؤثر از جرایم مالیاتی مستلزم تعامل منظم و تبادل داده میان نهادهایی مانند سازمان امور مالیاتی، نهادهای مالی، دستگاه قضایی و سایر مراجع نظارتی است؛ با این حال، پراکندگی اطلاعات و نبود سازوکارهای منسجم همکاری نهادی، موجب می‌شود ظرفیت‌های پیشگیرانه این نهادها به‌صورت کامل فعال نشود. در چنین شرایطی، امکان تحلیل جامع جریان‌های مالی و شناسایی الگوهای پرخطر کاهش می‌یابد و زمینه برای استمرار برخی رفتارهای متقلبانه فراهم می‌شود (رسولی، ۱۴۰۱: ۷۲).

چالش مهم دیگر به محدودیت‌های موجود در تبادل اطلاعات اقتصادی و مالی مربوط می‌شود. کارآمدی نظام پیشگیری در حوزه مالیاتی تا حد زیادی به دسترسی نهادهای نظارتی به داده‌های دقیق و به‌روز وابسته است. هرچه جریان اطلاعات میان نهادهای اقتصادی و نظارتی شفاف‌تر و نظام‌مندتر باشد، امکان پنهان‌سازی درآمدها یا دستکاری داده‌های مالی کاهش می‌یابد. با این حال، موانع حقوقی و اداری در زمینه اشتراک‌گذاری داده‌ها، گاه موجب شکل‌گیری خلأهای اطلاعاتی می‌شود که می‌تواند مورد سوءاستفاده برخی کنشگران اقتصادی قرار گیرد. این وضعیت نشان می‌دهد که پیشگیری از جرایم مالیاتی تنها با توسعه مقررات کیفری تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند ایجاد زیرساخت‌های نهادی برای گردش آزاد و کنترل‌شده اطلاعات مالی است (ایمانی خوشخو و امیرمستوفیان، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

در کنار این مسائل ساختاری، ضعف فرهنگ مالیاتی نیز یکی از چالش‌های اساسی در مسیر تحقق سیاست جنایی مشارکتی به شمار می‌آید. هنگامی که پرداخت مالیات در ذهنیت عمومی

داده‌های مالی، هم‌سویی مقررات و ایجاد بسترهای مشارکت مستمر میان دولت‌ها تأکید دارند، در حالی که نظام حقوقی ایران به دلیل محدودیت‌های حقوقی و نهادی، تنها در سطح محدودی قادر به تأمین این الزامات است. این محدودیت، کارایی سازوکارهای پیشگیرانه را کاهش می‌دهد؛ زیرا جرایم مالیاتی ماهیتی فراملی یافته‌اند و بدون همکاری برون‌مرزی، رهگیری جریان‌های مالی مشکوک دشوار می‌شود (قنبری، ۱۴۰۳: ۵۷).

محور مهم دیگر، محدودیت در تبادل اطلاعات مالی است. استانداردهای جهانی، شفافیت داده‌های اقتصادی و دسترسی‌پذیری آن برای نهادهای نظارتی را ستون اساسی پیشگیری می‌دانند، اما در ایران هنوز پیوند میان پایگاه‌های اطلاعاتی، نظام‌های نظارتی و سامانه‌های مالی کامل نشده است. این وضعیت، «جزیره‌ای بودن داده‌ها» را بازتولید می‌کند و امکان تحلیل یکپارچه رفتارهای مالی را کاهش می‌دهد. چنین شکاف اطلاعاتی، زمینه سوءاستفاده برخی کنشگران اقتصادی را فراهم می‌سازد و کارآمدی ابزارهای نظارتی و کیفی را تضعیف می‌کند (نوری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۸۴).

نقطه واگرایی سوم، مشارکت محدود بخش خصوصی و نهادهای حرفه‌ای در فرایند پیشگیری است. رویکردهای بین‌المللی، نقش مؤسسات حسابرسی، مشاوران مالیاتی و نهادهای حرفه‌ای را بخشی از زنجیره پیشگیری می‌دانند و بر مسئولیت مشترک میان دولت و بخش خصوصی تأکید دارند. در ایران، این ظرفیت هنوز به صورت کامل فعال نشده است؛ ساختار حقوقی بیشتر بر نقش دولت متمرکز است و کارکردهای پیشگیرانه حرفه‌های مالی کمتر در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی تعریف شده‌اند. این امر موجب می‌شود بخشی از توان تخصصی جامعه در شناسایی الگوهای پرخطر و ارتقای شفافیت مالی بالفعل نشود (جوهری، ۱۳۹۷: ۶۳). در مجموع، این واگرایی‌ها نشان می‌دهند که نزدیک شدن به استانداردهای جهانی نه صرفاً با اصلاح مقررات، بلکه با بازآرایی نهادی، تقویت جریان اطلاعات و فعال‌سازی ظرفیت‌های حرفه‌ای امکان‌پذیر است.

مالیاتی منتقل می‌گردد. این جهت‌گیری با رویکردهای تحلیل‌شده در ادبیات داخلی نیز هماهنگ است که نقش جرم‌انگاری را مکمل سازوکارهای پیشگیرانه می‌دانند (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

در مرحله دوم، حرکت حقوق ایران به سوی شفافیت مالی نیز با استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی همخوانی دارد. شفافیت مالی در سطح جهانی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای پیشگیری غیرکیفری شناخته می‌شود؛ زیرا با کاهش فضاهای پنهان و کاهش امکان جعل یا پنهان‌سازی داده‌های مالی، ریسک ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. جهت‌گیری ایران به سمت تقویت سامانه‌های اظهارنامه الکترونیکی، رصد اطلاعات مالی و یکپارچه‌سازی داده‌ها، نشان می‌دهد که شفافیت به عنوان سازوکار راهبردی پذیرفته شده و در مسیر ارتقاء قرار دارد. در تحلیل‌های داخلی نیز تأکید شده است که شفافیت، کارکرد پیشگیرانه اساسی دارد و نقش آن در تکمیل سازوکارهای نظارتی انکارناپذیر است (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۸).

در نهایت، توسعه سامانه‌های مالیاتی و اتکاء به ابزارهای الکترونیکی در فرایند اجرا و نظارت، از مهم‌ترین نقاط همگرایی با استانداردهای جهانی است. در چارچوب بین‌المللی، استفاده از فناوری به منزله ایجاد زیرساخت پیشگیری ساختاری تلقی می‌شود؛ زیرا با خودکارسازی فرایندها، امکان کنترل لحظه‌ای و کاهش مداخلات سلیقه‌ای فراهم می‌شود (خاقانی اصفهانی و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۸۷). جهت‌گیری حقوق ایران در این مسیر، اگرچه هنوز به بلوغ کامل نرسیده است، اما گام مهمی در سازگاری با رویکردهای جهانی و استانداردهای همکاری مالیاتی به شمار می‌آید. این امر با تحلیل‌هایی همسو است که بر ضرورت روزآمدسازی ابزارهای پیشگیری و هماهنگی با تحولات جهانی در سیاست جنایی تأکید دارند.

۲-۴- نقاط واگرایی

نقاط واگرایی میان حقوق ایران و استانداردهای بین‌المللی در حوزه پیشگیری از جرایم مالیاتی عمدتاً به فاصله ساختاری و کارکردی میان الزامات همکاری فراملی و ظرفیت‌های داخلی مربوط می‌شود. نخستین محور واگرایی، ضعف همکاری‌های بین‌المللی است. استانداردهای جهانی بر تبادل فرامرزی

مجموع، بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های نهادی، فناوری و فرهنگی می‌تواند زمینه شکل‌گیری الگویی کارآمد از سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم مالیاتی در ایران را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرایم مالیاتی در نظام‌های حقوقی معاصر دیگر صرفاً به ابزارهای کیفی محدود نمی‌شود، بلکه در قالب رویکردی جامع و چندبعدی دنبال می‌شود که در آن سیاست جنایی مشارکتی نقش محوری پیدا می‌کند. بررسی مبانی نظری سیاست جنایی مشارکتی نشان داد که این رویکرد بر توزیع مسئولیت پیشگیری از جرم میان مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی استوار است و تلاش می‌کند از طریق هماهنگی میان نهادهای تقنینی، اجرایی، قضایی و همچنین نهادهای اقتصادی و اجتماعی، سازوکارهای مؤثرتری برای کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم ایجاد کند. در حوزه جرایم مالیاتی نیز چنین رویکردی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این دسته از جرایم غالباً در بستر فعالیت‌های پیچیده اقتصادی و مالی شکل می‌گیرند و کشف و پیشگیری از آن‌ها نیازمند دسترسی به اطلاعات گسترده و همکاری میان نهادهای مختلف است.

مطالعه استانداردهای بین‌المللی نشان می‌دهد که بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرو در سال‌های اخیر به سمت تقویت شفافیت مالی، توسعه تبادل اطلاعات اقتصادی و گسترش همکاری‌های نهادی حرکت کرده‌اند. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز با تدوین اسناد و استانداردهای مختلف تلاش کرده‌اند چارچوب‌هایی را برای افزایش شفافیت مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی در سطح جهانی ایجاد کنند. این استانداردها علاوه بر تأکید بر ابزارهای نظارتی و اطلاعاتی، بر مشارکت فعال بخش خصوصی، مؤسسات مالی و نهادهای حرفه‌ای در فرآیند پیشگیری از جرایم اقتصادی نیز تأکید دارند. بررسی این رویکردها نشان می‌دهد که سیاست جنایی مشارکتی در عرصه بین‌المللی به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهبردهای پیشگیری از جرایم مالیاتی مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۴- ظرفیت‌های توسعه سیاست جنایی مشارکتی در ایران
توسعه سیاست جنایی مشارکتی در حوزه پیشگیری از جرایم مالیاتی در ایران مستلزم بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی است که در ساختار حقوقی، نهادی و اقتصادی کشور وجود دارد اما هنوز به‌صورت منسجم در خدمت یک راهبرد پیشگیرانه قرار نگرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها، امکان گسترش همکاری میان نهادهای دولتی و نهادهای حرفه‌ای اقتصادی است. سازمان امور مالیاتی، نظام بانکی، مؤسسات حسابرسی و مشاوران مالیاتی هر یک به بخشی از اطلاعات و تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های مالی دسترسی دارند و در صورت ایجاد سازوکارهای هماهنگ، می‌توانند شبکه‌ای مؤثر برای شناسایی و کاهش زمینه‌های ارتکاب جرایم مالیاتی ایجاد کنند. سیاست جنایی مشارکتی زمانی کارآمد خواهد بود که این نهادها نه صرفاً در مرحله کشف جرم، بلکه در مرحله پیشگیری و مدیریت ریسک‌های مالی نیز در کنار یکدیگر عمل کنند.

ظرفیت مهم دیگر در توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و سامانه‌های الکترونیکی مالیاتی نهفته است. گسترش سامانه‌های ثبت و تبادل داده‌های اقتصادی می‌تواند امکان نظارت هوشمند بر جریان‌های مالی را فراهم کند و وابستگی به روش‌های سنتی نظارتی را کاهش دهد. در چنین چارچوبی، پیشگیری از جرایم مالیاتی بیش از آنکه متکی بر واکنش کیفی پس از وقوع جرم باشد، بر شناسایی زودهنگام الگوهای پرخطر و مدیریت پیشگیرانه فعالیت‌های اقتصادی استوار می‌شود. این تحول می‌تواند زمینه پیوند میان سیاست جنایی و سیاست‌های اقتصادی را نیز تقویت کند و کارآمدی نظام مالیاتی را افزایش دهد.

علاوه بر این، تقویت فرهنگ مالیاتی در جامعه از دیگر ظرفیت‌های مهم توسعه سیاست جنایی مشارکتی به شمار می‌آید. زمانی که شهروندان و فعالان اقتصادی پرداخت مالیات را نه صرفاً یک الزام قانونی، بلکه بخشی از مسئولیت اجتماعی خود تلقی کنند، زمینه‌های اجتماعی ارتکاب جرایم مالیاتی کاهش می‌یابد. تحقق چنین وضعیتی نیازمند شفافیت در نحوه هزینه‌کرد منابع عمومی، افزایش اعتماد عمومی به نهادهای مالیاتی و توسعه برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی است. در

می‌کند، بلکه با افزایش احتمال شناسایی تخلف، نقش بازدارنده مهمی نیز خواهد داشت.

از سوی دیگر، افزایش نقش بخش خصوصی و نهادهای حرفه‌ای در فرآیند پیشگیری از جرایم مالیاتی نیز ضروری است. مؤسسات حسابرسی، مشاوران مالیاتی، انجمن‌های حرفه‌ای و سایر نهادهای تخصصی می‌توانند در شناسایی ریسک‌های مالیاتی، ارتقای استانداردهای حرفه‌ای و ترویج رفتارهای اقتصادی شفاف نقش مهمی ایفا کنند. مشارکت فعال این نهادها می‌تواند به شکل‌گیری نوعی مسئولیت مشترک در حوزه شفافیت مالی منجر شود و ظرفیت‌های تخصصی موجود در جامعه را در خدمت پیشگیری از جرم قرار دهد.

در کنار این اقدامات، اصلاح برخی مقررات مالیاتی نیز می‌تواند به افزایش کارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه کمک کند. ساده‌سازی قوانین مالیاتی، کاهش ابهامات مقرراتی و ایجاد سازوکارهای شفاف برای نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند از شکل‌گیری زمینه‌های سوءاستفاده جلوگیری کند. هرچه نظام مالیاتی از شفافیت و انسجام بیشتری برخوردار باشد، امکان دور زدن مقررات و ارتکاب جرایم مالیاتی نیز کاهش خواهد یافت.

در نهایت، هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند در ارتقای کارآمدی سیاست جنایی در حوزه مالیاتی مؤثر باشد. بهره‌گیری از تجربیات موفق سایر کشورها، تقویت همکاری‌های اطلاعاتی و حرکت به سمت هم‌سویی با قواعد و استانداردهای جهانی می‌تواند زمینه بهبود نظام پیشگیری از جرایم مالیاتی را فراهم کند. در مجموع، توسعه سیاست جنایی مشارکتی در ایران مستلزم رویکردی چندبعدی است که در آن اصلاحات حقوقی، تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی، گسترش همکاری نهادی و مشارکت فعال بخش خصوصی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد.

در ارزیابی وضعیت حقوق ایران نیز مشاهده می‌شود که نظام حقوقی کشور در سال‌های اخیر گام‌هایی در جهت تقویت پیشگیری از جرایم مالیاتی برداشته است. اصلاح برخی مقررات مالیاتی، ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی اقتصادی و توسعه سازوکارهای نظارتی از جمله اقداماتی است که در راستای افزایش شفافیت مالی و کاهش تخلفات مالیاتی انجام شده است. با این حال، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که همچنان فاصله‌هایی میان ساختارهای موجود در ایران و برخی استانداردهای بین‌المللی وجود دارد. مهم‌ترین چالش‌ها را می‌توان در محدودیت هماهنگی نهادی، ضعف در تبادل گسترده اطلاعات مالی و مشارکت محدود برخی بازیگران اقتصادی در فرآیند پیشگیری مشاهده کرد. این وضعیت نشان می‌دهد که تحقق کامل سیاست جنایی مشارکتی در حوزه مالیاتی نیازمند اصلاحات نهادی و تقویت همکاری میان بازیگران مختلف است.

بر این اساس، نخستین پیشنهاد در جهت تقویت پیشگیری از جرایم مالیاتی، گسترش همکاری نهادی میان سازمان‌های مرتبط است. هماهنگی مؤثر میان سازمان امور مالیاتی، نظام بانکی، دستگاه قضایی، نهادهای نظارتی و سایر دستگاه‌های اقتصادی می‌تواند زمینه شکل‌گیری شبکه‌ای منسجم برای شناسایی و کنترل رفتارهای مالی پرخطر را فراهم کند. ایجاد سازوکارهای منظم تبادل داده و همکاری عملیاتی میان این نهادها می‌تواند نقش مهمی در افزایش کارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه ایفا کند.

پیشنهاد دوم به توسعه تبادل اطلاعات مالیاتی مربوط می‌شود. پیشگیری مؤثر از جرایم مالیاتی تا حد زیادی به دسترسی به داده‌های دقیق و به‌روز اقتصادی وابسته است. تقویت سامانه‌های اطلاعاتی مالیاتی، یکپارچه‌سازی پایگاه‌های داده اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های نظارت الکترونیکی می‌تواند امکان تحلیل دقیق‌تر فعالیت‌های مالی و شناسایی الگوهای مشکوک را فراهم کند. این امر نه تنها کشف تخلفات را تسهیل

ملاحظات اخلاقی:

وارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع:

در تدوین این مقاله، هیچ گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان:

نگارش این مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی:

از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

منابع و مأخذ

ابراهیمی، شهرام (۱۴۰۲). «پاسخ واکنشی دوگانه در برابر بزه تخلف مالیاتی در حقوق ایران و فرانسه». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۲۰(۲۵): ۳-۳۸.

اسدزاده بنایی، حسین (۱۴۰۲). *میانی و آثار سیاست جنایی مشارکتی در قانون آیین دادرسی کیفری*. قم: حکمت فراز.

ایمانی خوشخو، محمدحسین و امیرمستوفیان، طیبه (۱۳۹۷). «ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر گسترش چتر مالیاتی و شناسایی مؤدیان جدید». *پژوهشنامه مالیات*، ۲۶(۸۵): ۱۱۷-۱۴۶.

پورقهرمانی کلتپه، بابک (۱۳۹۵). *قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بونه نقد: (سیاست جنایی مشارکتی)*. تهران: خرسندی.

تاجی، حسین (۱۴۰۱). *رابطه شفافیت اقتصادی و پیشگیری از جرایم مالیاتی*. تهران: موسسه آموزشی تألیفی ارشدان.

تقی زاده، مریم؛ نوبهار، رحیم و غلامی‌دون، حسین (۱۳۹۸). «مبانی ارزیابی سیاست جنایی». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۲): ۳۷۱-۳۵۳.

جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: میزان.

جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸). «گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لوایح قضایی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱: ۲۳۱-۲۵۶.

جوهری، امیر (۱۳۹۷). *فرایند وصول مالیات و جرایم مالیاتی*. تهران: انتشارات موجک.

حاجی‌پور، تکتم (۱۴۰۳). *تدابیر کیفری مبارزه با جرایم مالیاتی*. قم: عصر جوان.

حسینی، سیده سمانه؛ کاظمی گلوردی، محمدرضا و شایگان فرد، مجید (۱۴۰۰). «میانجیگری به مثابه سیاست جنایی مشارکتی در مجازات‌های تعزیری». *کارآگاه*، ۱۵(۵۵): ۱۳۱-۱۵۱.

خاقانی اصفهانی، مهدی؛ حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۲). «بومی‌سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفتمان‌های فقهی سیاست جنایی». *حقوقی دادگستری*، ۷۷(۸۲): ۶۵-۹۰.

دباغ، نازیلا (۱۴۰۲). *جرایم مالیاتی بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم مصوب (۱۳۹۴)*. تهران: هورین.

دره زرشکی، محمدهادی (۱۴۰۴). *مفاهیم پایه و اساسی جرایم اقتصادی، پولشویی، تقلب و فرار مالیاتی در کسب و کارها*. تهران: انتشارات آقائی.

رحیمی، مائده (۱۴۰۲). *جرایم مالیاتی در چشم‌انداز سیاست جنایی*. اصفهان: کاشف علم.

رست، علیرضا (۱۳۸۹). *موانع سیاست جنایی مشارکتی در ایران*. تهران: فرهنگ‌شناسی.

رسولی، محمدحسن (۱۴۰۱). *شفافیت عملکرد مالیاتی مؤدیان*. تهران: ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- ساریخانی، عادل و اکرمی سراب، روح اله (۱۳۹۲). «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی». حقوقی دادگستری، ۷۷(۸۲): ۹۱-۱۱۶.
- سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (۱۴۰۰). همکاری مؤثر بین سازمانی برای مقابله با جرایم مالیاتی و سایر جرایم مالی. تهران: افق سها.
- سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (۱۳۹۹). اصول جهانی مبارزه با جرایم مالیاتی. ترجمه محمدرضا لرزاده. کرج: پیدار.
- سدره‌نشین، ابوالفضل (۱۴۰۰). درآمدی بر سیاست جنایی جرایم مالیاتی ایران. اصفهان: کاشف علم.
- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۳۹۷). حقوق کیفری اقتصادی: جرایم و تخلفات مالیاتی، اخلال در نظام اقتصادی، قاچاق ارز و تخلفات ارزی، پولشویی. تهران: جنگل: جاودانه.
- شاطری‌پور اصفهانی، شهید (۱۴۰۱). سیاست جنایی شفاهی ایران «بر اساس مصاحبه با اساتید و پژوهشگران». تهران: پژوهشکده قوه قضاییه.
- شریف‌پور، حسین (۱۴۰۳). سیاست جنایی مشارکتی پلیس با مراکز دانشگاهی با رویکرد بزه دیده‌محور. ساری: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد مازندران.
- ظفری قره‌سو، مهدی (۱۴۰۴). نقش و تأثیر رمز ارزها در بسترسازی جرایم فرار مالیاتی و پولشویی. نیشابور: فروغ سیمرغ.
- عامری، ریحانه (۱۴۰۲). تخلفات و جرایم شغلی مالیاتی. تهران: دادبانان دانا.
- عزیزی، سعید؛ حسین زاده نیکویی، حمید (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین تمکین مالیاتی، اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی». همایش مالیات‌های اسلامی (پیش‌نیازها و الزامات مالی دولت اسلامی). (اسلامی).
- قناد، فاطمه و اکبری، مسعود (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی». پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۸): ۳۹-۶۷.
- قنبرپور، احمد (۱۴۰۴). سیاست جنایی مشارکتی بر پایه اصول حکمرانی خوب. تهران: میزان.
- قنبری، حسین (۱۴۰۳). سیاست جنایی تقنینی ایران درباره جرائم تقلب و فرار مالیاتی در نظام بانکی. تهران: دادآور.
- کریمی، سعیده (۱۳۹۷). پیشگیری فناورانه از تخلفات و جرایم مالیاتی در ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کوهی‌اصفهانی، کاظم (۱۴۰۳). سیاست جنایی شفاهی ایران: «براساس مصاحبه با اساتید و پژوهشگران». تهران: میزان.
- محمدی، محسن (۱۴۰۳). چالش‌ها و راهکارهای رسیدگی به جرایم مالیاتی در نظام حقوقی ایران. اراک: ارشک.
- مؤذن زادگان، حسنعلی؛ افشاری، فاطمه. (۱۳۹۲). «نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران». دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۴: ۱۳۱-۱۳۱.
- مؤمنی، هادی؛ روح‌الامینی، محمود؛ ساعد، محمدجعفر. (۱۴۰۱). «سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی». مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۲): ۱۰۹-۱۲۷.
- میرعبداله یانی، سارا (۱۴۰۲). تحلیل سیاست کیفری ایران در مقابله با جرایم مالیاتی. کرج: نشر گیسو.
- نقیبی، بهروز، و امیدی، غلامرضا (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین دانش مالیاتی، عدالت مالیاتی ادراک شده و تمکین مالیاتی». کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- نوری‌نژاد، محمدمین (۱۳۹۹). سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مالیاتی. تهران: انتشارات ماهواره.
- نویدی قاضیانی، حمیدرضا؛ رحمانی، مرتضی و رستمی، حبیب (۱۳۸۶). «تعیین و تحلیل رفتار مؤدی مالیاتی در شرایط تخلف و تبانی». پژوهشنامه اقتصادی، ۷(۱): ۱۴۰-۱۱۹.
- وطنی، امیر و اسدی، حمید (۱۳۹۵). «سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در جرائم سایبری با تأکید بر

ویژگی‌های خاص این جرائم». پژوهشنامه حقوق اسلامی،
۱۷(۲) (پیاپی ۴۴)، ۹۹-۱۲۶.